

مذہب
توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مذہب توحید کے بارے میں سب سے زیادہ
مستند اور صحیح اور صحیح ترین کتاب ہے اور وہ



چرا «اربعین» فقط برای امام حسین است؟

آیت‌الله جوادی آملی

چرا فقط برای امام حسین علیه السلام روز اربعین تعیین شده و برای امامان دیگر و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مراسم روز اربعین نداریم؟

برای توضیح جواب این سؤال، به این مطالب توجه کنید:

۱) فداکاری‌های امام حسین علیه السلام، دین را زنده کرد و نقش او در زنده نگه داشتن دین اسلام، ویژه و حائز اهمیت است. این فداکاری‌ها را باید زنده نگه داشت؛ چون زنده نگه داشتن دین اسلام است. گرامی داشت روز عاشورا و اربعین، در حقیقت زنده نگه داشتن دین اسلام و مبارزه با دشمنان دین است.

۲) مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام، برای هیچ امام و پیامبری پیش نیامده است. مصیبت آن حضرت، از همه مصیبت‌ها بزرگ‌تر و سخت‌تر بود. اگر عامل دیگری هم در کار نبود، همین عامل کافی است که نشان بدهد چرا برای امام حسین (ع) بیش از امامان دیگر و حتی بیش از پیامبر اسلام (ص) عزاداری می‌کنیم و مراسم متعددی برپا می‌کنیم.



۳) در ماه محرم سال ۶۱ق. امام حسین علیه‌السلام، فرزندان، خویشان و یاران آن حضرت را کشتند و اسیران کربلا را به کوفه و شام بردند و همین اسیران داغ‌دیده، روز اربعین شهادت امام حسین (ع) و یارانش، به کربلا رسیدند و همه مصائب روز عاشورا در آن روز تجدید شد و آن روز، روز سختی برای خاندان پیامبر بود.

۴) دشمنان اسلام با به شهادت رساندن امام حسین (ع)، قصد نابود کردن دین اسلام را داشتند. دشمنان امام حسین تلاش کردند تا حادثه کربلا، به کلی فراموش شود و حتی کسانی را که برای زیارت آن حضرت می‌آمدند، شکنجه می‌کردند و می‌کشتند. در زمان متوکل عباسی، همه قبرهای کربلا را شخم زدند؛ مزرعه کردند و مردم را از آمدن برای زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام، منع کردند. شیعیان هم برای مقابله با اینها، از هر مناسبتی استفاده می‌کردند که یکی از این مناسبت‌ها، حادثه روز اربعین است.

۵) یکی از نشانه‌های مؤمن، زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین است. از حضرت امام حسن عسکری (ع) روایت شده است که علامت‌های مؤمن پنج چیز است؛ پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شبانه‌روز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن در سجده و بسم الله را بلند گفتن (۱) و یکی از وظایف شیعیان را اهتمام به زیارت اربعین بر شمرده‌اند. سرّ تکریم سالار شهیدان را در زیارت اربعین آن حضرت، از زبان امام



صادق(ع) می‌توان فهمید که وجود مبارک امام ششم رئیس مذهب ما فرمود: روز اربعین که شد حسین بن علی بن ابیطالب را زیارت بکنید. هنگامی که آفتاب برآمد، این زیارتنامه را می‌خوانید، بعد دو رکعت نماز زیارت می‌خوانید و حاجت‌های خود را از ذات اقدس اله مسألت می‌کنید.

در آن زیارت (زیارت اربعین) عرض می‌کنید: خدایا! حسین بن علی بن ابیطالب وارث همه انبیاء است. «اورثته موارث الأنبياء»؛ یعنی هر چه را که آدم داشت، نوح داشت، ابراهیم داشت، موسی داشت، عیسی داشت، انبیاء دیگر (علیهم السلام) داشتند؛ تو به حسین بن علی به عنوان ارث اعطا کردی. و او همچون وارث بود، راه انبیاء را طی کرد. به خدا عرض می‌کنیم: خدایا! حسین بن علی را وارث انبیاء کردی. هر چه را به انبیاء دادی، به او هم دادی. «و اورثته موارث الأنبياء.. فأعذر الدعاء و منح النصح» (۲)؛ او راه عذر دیگران را بسته است. هیچ کسی نمی‌تواند عذر بیاورد که من نمی‌دانستم. چون حضرت نامه نوشت، پیام فرستاد، سخنرانی کرد؛ در مدینه و مکه سخنرانی کرد، فاصله سیصد فرسخی مدینه تا کربلا سخنرانی کرد. هیچ کسی نیست که بگوید من نمی‌دانستم. «فأعذر الدعاء»؛ یعنی در دعوت کردن، در راهنمایی کردن، راه عذر دیگران را بسته است. «و منح النصح»؛ نصیحت کرد، پند داد، موعظه کرد. آنجا که برهان لازم بود دلیل اقامه کرد، آنجا که پند لازم بود موعظه داد و مانند آن.

وقتی دید پند و موعظه اثر نمی‌کند، خون می‌خواهد، خون داد. این را وجود مبارک امام ششم فرمود، در اربعین ابی عبدالله (علیه السلام) به خدا عرض کنید: خدایا! حسین بن علی «بذل مهجته



فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله»؛ یعنی خون جگرش را داد، خون گلوی خود را داد، خون سر خود را داد، خون آن بچه شیری را داد تا مردم را متدین و عالم کند.

لذا وجود مبارک امام ششم فرمود: روز اربعین که شد، بدانید چرا ما در پیشگاه حسین بن علی خاضعیم. به خدا عرض کنید: خدایا! حسین بن علی نصیحت کرد، سخنرانی کرد، موعظه کرد، نامه نوشت، دستور داد، اثر نکرد. دید هیچ چاره ندارد، فقط خون می خواهد، خون داد. «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک»؛ «استنقاذ» را معمولا برای نجات غریق می گویند. می گویند: غریق را، کسی که دارد می سوزد، در آتش غرق است یا در آب غرق است، این را نجات بدهید. فرمود: حسین بن علی خون جگرش را داد تا مردم را عالم کند، تزکیه کند.

همین دو کاری که انبیاء می کردند؛ «یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحدیث» (۳) همین دو کار در زیارت اربعین آمده. انبیاء آمدند مردم را آگاه کنند و تربیت. بعضی ها جاهلند، عالم نیستند. بعضی عالمند، ولی عادل نیستند. انبیاء آمدند ما را عالم عادل کنند. «یعلمهم الکتاب والحدیث»؛ یعنی ما را به مسائل دینی مان آشنا کنند، و یزکیهم، یعنی ما را وارسته کنند.

وجود مبارک حسین بن علی هم خون داد تا مردم را از جهالت برهاند، عالم بکند. تا مردم را عادل بکند. هم راه خود را ببینند و طی کنند، هم راه کسی را نبندند. حالا روشن شد که چرا امام عسکری (ع) فرمود: زیارت اربعین یکی از علائم پنجگانه تشیع مؤمنین است.



ویژگی عدد چهل درباره امام حسین (ع)

امام حسن عسگری (ع) فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاه الاحدى الخمسين و زياره الأربعين و التختّم فى اليمين و تعفير الجبين و الجهر ببسم الله الرحمن الرحيم»؛ «نشانه های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز پنجاه و یک رکعت به شکل مذکور از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا (ص) است. شاید سر ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستورش از معراج آمده است و نیز انسان رابه معراج می برد.

موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعه است که یا بسم الله الرحمن الرحيم را نمی گویند یا آهسته تلفظ می کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می داند.

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می دهد که مقصود امام عسگری (ع) اربعین معروف و معهود



نزد مردم است؛ خلاف کلمه «اربعین» در بسیاری از روایات که بدون «الف و لام» آمده است؛ مانند این روایت امام صادق (ع): «من حفظ من أحاديثنا أربعين حديثاً بعثه الله يوم القيامة عالماً فقيهاً».

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است. به دیگر سخن، براساس فرموده رسول خدا (ص): عصاره رسالت نبوی، قرآن و عترت است؛ «إني تارك فيكم الثقلين... كتاب الله و... عترتي أهل بيتي». عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری (ع) در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کنند.

در باره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است. مثلاً فرموده: انسان، فطرتاً موحد است، ولی طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری می‌کند، مگر انسان های نمازگزار که آنان می‌توانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلع، جزوع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت های خاص الهی باشند؛ «إن الإنسان خلق هلوفاً، إذا مسه الشر جزوعاً، وإذا مسه الخير منوعاً، إلا المصلين».



تعلیم و تزکیه: هدف اساسی سالار شهیدان

زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هلوع و منوع بودن باز می‌دارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون جگر که جمع میان این راه‌ها از ویژگی‌های ممتاز آن حضرت (ع) است.

خلاصه آن که رسالت رسول اکرم (ص) تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند و در نتیجه، جهل علمی و جهالت عملی را از جامعه جدا سازد. همین دو هدف در متن زیارت اربعین سالار شهیدان (ع) تعبیه شد؛ چنان که منشأ دمنشی منکران رسالت و دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود و عامل مهم توحش منکران ولایت و دشمنان امامت نیز همان عطر سه دنیا و دل باختگی به آن بود، که در بخشی از زیارت اربعین به آن اشارت رفته است: «و تَغَطَّرَس و تَرَدَى فِی هَوَاهُ».

ویژگی عدد چهل در باره امام حسین (ع)

اربعین و عدد چهل خصوصیتی دارد که دیگر ارقام آن را ندارد. غالب انبیای الهی در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند و ملاقات خصوصی حضرت موسی (ع) و ذات اقدس الهی چهل شب بود و در نماز شب سفارش شده است که چهل مؤمن را دعا کنید و همسایگان را تا چهل خانه گرمی بدارید. این‌ها نشان می‌دهد که



عدد چهل از برجستگی خاص برخوردار است. در روایات اسلامی چنین آمده است: زمینی که روی آن انبیا و اولیای الهی و بندگان مؤمن، خدا را عبادت کرده اند، چهل روز در مرگ آنان می‌گریید، ولی در شهادت امام حسین (ع) آسمان و زمین، چهل روز خون‌گریه کردند. البته اشک یا خون را در این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد؛ چنان که نباید آن را انکار کرد. توضیح آن که در سیارات آسمانی بارها انفجارهایی رخ می‌دهد که با چشم عادی هرگز دیده نمی‌شود؛ ولی متخصصان با استمداد از علم نجوم و از رصدخانه به تماشای این انفجارها می‌نشینند. همان گونه که مردم عادی نباید خبر وقوع این انفجار را به صرف ندیدن آن با چشم ظاهری انکار کنند، خون‌گریه کردن آسمان و زمین را نیز نباید انکار کنند؛ زیرا این موارد نیز جزو علومی نیست که بشر عادی آن را نظاره کند، حتی از رصدخانه نیز دیده نمی‌شود. اساساً امر ملکوتی را هرگز نمی‌توان با ابزار مَلکی ادراک کرد. مثلاً با دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین فنّ رصد سپهر نمی‌توان مشهودات رؤیای صادق انسان نائم را رصد نمود. اگر یوسف عصر در ساحت رؤیا مشاهده کند که یازده ستاره به همراهی ماه و آفتاب برای وی سجده کردند، هرگز چنین صحنه‌ای را نمی‌شود با هیچ رصدخانه‌ای تصدیق یا تکذیب نمود. غرض آن که معنای اشک ریزی یا خون باری ملکوتی نه مورد تصدیق فنّ تجربی است و نه در قلمرو تکذیب آن قرار می‌گیرد و هیچ‌گاه استبعاد به جای استحاله نمی‌نشیند. کسی که صاحب بَصَر نیست تا ببیند، لااقل باید صاحب نظر باشد که گوش شنوا به ندای صاحب بصران داشته باشد.



برای تحقیق این موارد، علم مخصوص لازم است که اصطلاح و متخصصان ویژه خود را دارد که اهل ولایت و علمای بزرگ دینی‌اند. آنان این گونه از احادیث را با جان پذیرفتند و فهمیدند که آسمان و زمین خون گریه می‌کنند. از امام زمان (ع) نیز نقل شده است که به امام حسین (ع) عرض می‌کنند: اگر اشک چشم تمام شود، برایت خون می‌گیریم؛ «و لأبکین علیک بدل الدموع دماً». گفتنی است: گرامیداشت یاد متوفی پس از مرگ او در همه ملل و ادیان رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز از متوفای خود تجلیل می‌کنند. در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، پس از شهادت امامان معصوم (ع) در نخستین اربعین آنان مراسم گرامیداشت انجام می‌شده است؛ ولی شهادت امام حسین (ع) این ویژگی را دارد که روز اربعین حسینی هر ساله تا قیامت ادامه خواهد داشت.

زیارت‌مأثور در اربعین

در روایات شیعه برای روز اربعین حسینی دستورهایی وجود دارد؛ مانند خواندن زیارت مخصوص آن روز در پیش از ظهر که پس از آن دو رکعت نماز نیز خوانده می‌شود و دعا در آن وقت مستجاب است.

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین (ع) همان هدف رسالت نبی اکرم (ص) دانسته شده است. براساس قرآن و نهج البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل نمودن آن‌ها با تهذیب نفس کسانی که علم ندارند، دستور



خدا را نمی دانند و توان تربیت خود یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالمند، ولی در اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی کنند. از این رو، انبیا (ع) برای تعلیم و نیز تزکیه مردم مبعوث شده اند که به مردم خوبی ها را بشناسانند و راه خوب را به آنان بنمایانند تا مردم خوب بفهمند و به خوبی ها عمل کنند. چنین جامعه ای مهد پرورش اولیای الهی است.

در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (ع) نقل شده که به خداوند عرض کرد: پیامبری مبعوث فرما که مردم را عالم و مهذب کند: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»، خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرد و در سوره «جمعه» فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».

براساس این آیه، مردم حجاز، پیش از بعثت رسول اکرم (ص) گرفتار دو مَعْضَل علمی و عملی بودند: یکی نادانی و دیگری گمراهی. پیامبر (ص) با تعلیم کتاب و حکمت، آنها را از جهل رهانید و عالم کرد و نیز با تزکیه نفس، آنان را از بیراهه به راه آورد و عادل کرد. امیرمؤمنان (ع) در تشریح بعثت رسول اکرم (ص) فرمودند: «فهدیهم به من الضلالة وأنقذهم بمكانه من الجهالة»؛ یعنی خداوند به دست پیامبرش مردم را عالم و عادل کرد.

امام حسین (ع) نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و صاحب ولایت: «حسین منی و أنا من حسین»، باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و



دستورها و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را اهل عمل کند. همه اهل بیت (علیهم السلام) این وظیفه را به عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفه خود عمل می‌کردند؛ ولی سیدالشهدا (ع) افزون بر کارهای یاد شده، به سبب یأس از تأثیر اساسی این ابزار در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای نیل به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت بود که هم مبارزه فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی. چنان که در زیارت اربعین آن حضرت می‌خوانیم: «فأعذر فی الدعا و منح النصیح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله»؛ یعنی آن حضرت با اتمام حجت بر خلق، هر عذری را از امت رفع کرد و اندرز و نصیحت آنان را با مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه توای خدا نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.

